

تأثیرات سبک معماری و ستونهای هخامنشی در هنر و معماری مائوری

احسان محمدحسینی^۱

چکیده

سرزمین باستانی هند با ویژگیهای منحصر بفرد و تنوع جغرافیایی و نژادی خود، گهواره یکی از کهنترین تمدنهای جهان باستان بوده که نقش مهمی در تاریخ فرهنگ بشریت ایفا کرده است. این تمدن در طول تاریخ همواره رابطه‌ی بسیار نزدیک و تنگاتنگ با تمدن باشکوه غربی خود یعنی ایران داشته و بدون شک تمدن و فرهنگ ایرانی، پررنگترین نقش را در شکلگیری تمدن هند داشته است. این ارتباط و تبادلات هنری و فرهنگی به اندازه‌ی است که اگر پژوهشگری با فرهنگ و هنر ایرانی آشنا نباشد، قادر به مطالعه دقیق و جامع فرهنگ و هنر هندوستان نخواهد بود. پس از مهاجرت آریائیه‌ها و ظهور مکتب هندوئیسم در هند و زرتشتی‌گری در ایران، شاهد شباهتهای بسیار زیادی در آئینهای باستانی دو کشور و متون مقدس اوستایی و وداها هستیم. در حوزه هنر و معماری نیز در سلسله مائوری^۲ هندوستان، شاهد تکرار الگوهای معماری و نقوش هنری و مفاهیم بکار رفته در معماری هخامنشی هستیم. در کنار این تأثیرات معماری، رایج شدن سبک کتیبه‌نگاری بر روی صخره‌ها و ستونها در هندوستان توسط آشوکا، نوعی تداعی‌کننده این سنت در فرهنگ هخامنشی است؛ چنانکه میتوان گفت نوع ستونها و سبک معماری ایجاد شده در

۱. دکتری باستان‌شناسی (معماری باستانی) دانشگاه میسور هندوستان و مدرس مدعو گروه معماری دانشگاه رجا قزوین؛

ehsan.m.hoseini@gmail.com

۲. لازم به توضیح است که در ایران سلسله مائوری (Maury) به اشتباه با نام موریایی شناخته میشود که این تلفظ غلط بدلیل انجام ترجمه ناصحیح این عنوان در سالهای پیش از انقلاب بوده و متأسفانه تکرار آن سبب شده تا امروزه بیشتر کارشناسان حوزه تاریخ و باستان‌شناسی از این سلسله با عنوان موریایی یاد کنند در حالی که در کشور هندوستان و سایر مناطق جهان از لفظ مائوری برای پادشاهان این دوره استفاده شده است.

هندوستان طی قرون سوم و چهارم پیش از میلاد کاملاً متأثر از هنر و معماری هخامنشیان است. **واژگان کلیدی:** معماری هخامنشی؛ معماری مائوری؛ آشوکا؛ تخت جمشید؛ پاتالی پوترا؛ تالارهای ستون دار؛ ستونهای سنگی

مقدمه

دو تمدن باستانی ایران و هندوستان دارای مشترکات زبانی، فرهنگی و نژادی فراوانی بوده و در طول چند هزار سال گذشته همواره تأثیر و تأثرات زیادی بر یکدیگر داشته‌اند. ساکنان این دو سرزمین در طول تاریخ از طریق مسیرهای دریایی و زمینی متعددی با یکدیگر در تماس بوده‌اند و کوههای هندوکش و مسیرهای دریایی خلیج فارس و دریای عمان در جنوب ایران و دریای عرب در غرب هندوستان را میتوان اصلیتیرین این مسیرها دانست. جواهر لعل نهرو در کتاب مشهور خود با عنوان کشف هند، در اینباره مینویسد: «در میان کشورها و ملت‌های مختلف جهان که با هندوستان در ارتباط بودند، ایرانیان، قدیمیترین و تأثیرگذارترین تمدن بشمار میروند» (Nehru, 1992: 34).

ما میدانیم که در هزاره دوم و سوم پیش از میلاد، بین‌النهرین، ساکنان غرب و جنوب ایران و مردم شمال غرب هندوستان از یک محل به مناطق فوق مهاجرت کردند و بعدها در حدود سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد، اقوام آریایی از مناطق شمالی بسمت جنوب مهاجرت نمودند و تا جنوب آسیا پیشروی کردند (Jolfaee, 1994: 69).

در روزگار پیش از تاریخ و حدود سال ۳۰۰۰ پیش از میلاد، مردم فرهنگ کولی^۱ در مرزهای شمال غرب هندوستان ساکن شدند. این مردم دارای مهارت زیادی در ساخت مصنوعات هم‌چون جعبه‌های کوچک سنگی بودند که بر روی آنها تزئینات و طرحهای زیبایی اجرا میشد. یافته‌های باستان‌شناسی در منطقه باستانی شوش در ایران نشان‌دهنده وجود طرحهای مشابه فرهنگ کولی در سفالینه‌های نقش‌دار است (Llewellyn, 1967: 14).

یکی دیگر از مدارک و مستندات مربوط به ارتباط دو کشور در هزاره نخست پیش از میلاد، کتیبه‌های هخامنشی است که به بخشهایی از هندوستان بعنوان قسمتی از سرزمین امپراتوری هخامنشی اشاره میکند.

در تخت جمشید و دیواره تالار آپادانا نیز شاهد حضور گروه آورندگان هدیه هستیم که هیئت هندیها به همراه پیشکشی خود، نشان‌دهنده ارتباط دو تمدن در روزگار هخامنشی است. کتیبه‌های باقیمانده از شاهان هخامنشی و همچنین متون تاریخی نگاشته شده توسط مورخین یونانی این امر را مسلم می‌سازد که بخشهایی از سرزمین امروزی هندوستان و پاکستان بعنوان ساتراپهای هخامنشی بوده و زیر نظر امپراتوری هخامنشیان اداره میشدند (Bongard, Grigorii, 1998: 61). از سوی دیگر، امپراتوری مائوری در قرن چهارم پیش از میلاد نیز یکی از مهمترین ادوار تاریخ هند محسوب میشود. در این دوره تاریخی برای نخستین بار شاهد رواج استفاده از سنگ در معماری این کشور هستیم و نخستین نشانه‌های استفاده از ستونهای سنگی در معماری و ساخت تالارهای ستون‌دار در تمدن هندوستان به روزگار مائوریان باز میگردد.

انقلاب پارسی در معماری هندی

همزمان با سلطنت آشوکا در هندوستان، در حقیقت یک تحول بزرگ در معماری و هنر این کشور رخ داد که تبع آن مواردی جدید مانند کتیبه‌نگاری بر روی صخره‌ها و ستونهای سنگی، استفاده از سرستونهایی بشکل حیوانات مختلف و ... در هند رایج شد و در حقیقت دوران حکومت چاندرا گوپتا تا عصر آشوکا را میتوان دوران انتقال معماری هندوستان از عصر ودیک به عصر معماری سنگی اطلاق کرد. این رخداد از نظر زمانی تقریباً مقارن با فروپاشی امپراتوری هخامنشی و حمله اسکندر به ایران است و موضوع قابل تأمل در این خصوص، ظهور یکباره سبک جدید معماری سنگی و صخره‌یی در هندوستان بموازات سقوط امپراتوری هخامنشی است و از سوی دیگر، این نوع هنر و معماری به هیچ عنوان در هندوستان دارای پیشینه نبوده و به یکباره در این سرزمین شاهد رواج ساخت تالارهای ستون‌دار، ستونهای سنگی و سرستونها با نقوش حیوانی هستیم. مشابه این هنر و سبک معماری در امپراتوری هخامنشی از دو سده پیشتر وجود داشته و نمونه تالارهای ستون‌دار در ایران نیز بسیار قدیمتر محسوب میشود و از سده‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد شاهد نمونه‌های تالار ستون‌دار در ایران هستیم. در حقیقت در روزگار مائوری هندوستان شاهد تکرار هنری هستیم که هخامنشیان و معماران و هنرمندان ایرانی دو‌یست سال پیشتر آن را به حد عالی اعتلا رسانده و مورد استفاده قرار داده بودند (Pandey, 1982: 127). با عنایت به این موضوع که شمال و غرب هندوستان بعنوان بیستمین ساتراپ هخامنشیان شناخته شده و همچنین با آنالیز و تجزیه و تحلیل روشهای بکار رفته در طراحی و اجرای ستونهای

مائوری، میتوان این موضوع را استنتاج کرد که هنر و معماری مائوری در حقیقت تداوم بخش هنر و معماری هخامنشی بوده و پس از حمله اسکندر به ایران، گروهی از هنرمندان ایرانی با مهاجرت به هندوستان، زمینه‌ساز رواج این سبک هنر و معماری در دربار مائوریان شده‌اند. اگرچه در روزگار تمدن دره رود سند در شهرهایی مانند موهن جودارو و هاراپا شاهد الگوی پیشرفته شهرسازی و شهرسازی مبتنی بر پلان و نقشه قبلی و معماری هنرمندانه‌یی با کمک آجر، خشت، چوب و گل هستیم، اما پس از زوال تمدن دره رود سند، دورهٔ ودیک یا عصر تاریکی در هندوستان آغاز شده و تقریباً هیچ شواهدی از معماری در این روزگار باقی نمانده است و دلیل آن نیز استفادهٔ گسترده از چوب در ابنیه و سازه‌های شهری و ... است. در همین عصر و مقارن با سدهٔ ششم پیش از میلاد است که بخشهایی از شمال هندوستان توسط امپراتوری هخامنشی تصرف شده (Waters, 2014: 35) و مردم این کشور شاهد ساخته شدن مجموعه‌های باشکوهی چون پاسارگارد و تخت‌جمشید در ایران بودند، زیرا شمال هندوستان نیز در کنار مناطق وسیعی از جهان آن روزگار مانند آسیای صغیر، شمال آفریقا، بین‌النهرین و زیر نظر هخامنشیان اداره میشد (Kuhrt, 2007: 189).

کشف دوباره یک امپراتوری

مقارن با سالهای پایانی قرن نوزدهم میلادی، پژوهشگران و بویژه شرق‌شناسان اروپایی به شناسایی و مطالعهٔ هنر و معماری مائوری علاقمند شدند و مطالعاتی را در این زمینه آغاز کردند. در ابتدا این سؤال برای پژوهشگران بصورت بدون پاسخ باقی مانده بود که این ظهور سریع و بدون پیش‌زمینه در معماری هندوستان به چه دلیل رخ داده و چرا به یکباره در هندوستان شاهد شکلگیری و ساخت تالارهای ستون‌دار و ستونهای سنگی بسیار زیبا و عالی هستیم؟ در حقیقت برخلاف سایر تمدنها مانند ایران، استفاده و رواج ستونهای سنگی و تالارهای ستون‌دار ماحصل یک روند تدریجی نبوده و در یک بازهٔ زمانی کوتاه شاهد ساخته شدن نمونه‌های عالی از این سبک معماری در پاتالی پوترا و سایر مناطق هندوستان که ستونهای آشوکا در آن کشف شده، هستیم. نخستین نمونهٔ مطالعهٔ علمی ستونهای ساخته شده توسط آشوکا در عصر مائوریان، توسط آلکساندر کونینگهام در جلد اول گزارشهای مطالعات باستان‌شناسی هندوستان^۱ انجام گرفت. این

1. Alexander Cunningham in vol. I of *his Archaeological Survey of India Reports* (Simla, 1871).

مطالعات که در جلد‌های بعدی این گزارش^۱ نیز تداوم یافته، براساس حفاریها و کاوشهای متعددی در Terai، نپال، کلکته و توسط P.C. Mukherji که تا سال ۱۹۰۱ م ادامه داشت، ارائه شده است. در سال ۱۹۱۱ م V.A. Smith با انتشار مقاله‌یی تحت عنوان «ستونهای یکپارچه سنگی آشوکا»^۲ به ریشه‌یابی ظهور این سبک معماری در هندوستان پرداخت و در همان سال نیز کتابی با عنوان هنرهای زیبا در هند و سیلان^۳ توسط وی در لندن منتشر شد.



تصاویر شماره ۱ و ۲) نمای سایت حفاری کاخ مائوریان در محوطه باستانی کومرهار (Kumrahar) واقع در پاتالیپوترا (شهر پاتنای امروزی در ایالت بیهار) که در گزارش حفاری سال ۱۹۵۱-۱۹۵۶ توسط A.S. Altekar ارائه شده است.

1. vol. II, XVI, XXII

2. *The Monolithic Pillars or Columns of Ashoka*, vol 65, pp. 33-221.

3. *Fine Art in India and Ceylon*



تصویر شماره ۳) تصویر امروزی همان محل که توسط نگارنده گرفته شده و متأسفانه این سایت برای حفاظت بطور کلی از ماسه پوشانده شده است: ۲۰۱۵ م.

در سال ۱۹۲۵ م. E. Hultzsch، خاورشناس آلمانی به مطالعه و انتشار کتیبه‌های نقر شده آشوکا در ستونهای سنگی^۱ پرداخت. همزمان با این مطالعات، پایتخت پادشاهان مائوری یعنی شهر پاتالی پوترا در پانتای امروزی که مرکز ایالت بیهار در شمال شرق هندوستان است، مورد کاوش قرار گرفت و در سال ۱۹۱۲ م. توسط اسپونر^۲ از زیر خاک خارج شد. وی بعدها در سال ۱۹۱۹ م. برخی از یافته‌های این حفاری را در کتابی با عنوان *تصاویر دیدار گنج*^۳ منتشر کرد. همزمان با این مطالعات، در سایر مناطق هندوستان نیز نمونه ستونهایی از عصر مائوری مانند ستون مشهور سارانات^۴ بدست آمد و قطعات پازل شکلگیری این معماری جدید در هندوستان را تکمیل کرد. در سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ م. منطقه سارنات توسط هارگریوز^۵ حفاری شد و علاوه بر ستونهای سنگی، صدها قطعه مجسمه نیز کشف گردید. رفته رفته پژوهشگران با مطالعه این سبک معماری به شباهتهای شگفت‌انگیزی بین تمدن هخامنشی و سبکهای هنر و معماری این تمدن و تکرار آن در هنر و معماری مائوری پی بردند و مطالعات در زمینه چگونگی این انتقال فرهنگ و هنر آغاز شد (Dhammika, 1993:75). بررسی شواهد موجود و سبک تزئینات و ساخت ستونهای مائوری همگی حاکی از سطح بسیار بالای هنر و مهارت بود که با توجه به فقدان پیشینه این نوع

1. Inscriptions of Ashoka
2. Spooner
3. *The Didarganj Image*
4. Sarnath
5. Hargreaves

از معماری در هندوستان، توجه محققان به تمدنهای باستانی مجاور، معطوف شد و رفته رفته بحث تأثیرات هنر و معماری هخامنشی در شمال شرق هندوستان مطرح گشت (Gajjar, 1971:89).

تصویر شماره ۴) سرستون سانکیسا با نقش فیل (Sankisa Elephant Capital)
از عصر آشوکا؛
منبع:

http://content.lib.washington.edu/cdm4/item_viewer.php?CISOROOT=/ic&CISOPTR=7370&CISOBX=1&REC=4



تصویر شماره ۵) سرستون آشوکا در سانچی؛
منبع:

Debala Mitra, World Heritage Series, Sanchi, Published By The
Director General Archaeological Survey Of India, New Delhi, 2003



تصویر شماره ۶) ستون مشهور سارانانتها از عصر
آشوکا (Ashokan Pillar, Sarnath)
منبع:

<http://forums.bizhat.com/travel-tourism/59182-Ashoka-pillar-sarnath-great-indian-onument.html>



شکلگیری معماری هندو هخامنشی در هندوستان

هنگامی که دیگر ملل باستانی از سنگ بعنوان یک عنصر مهم در معماری استفاده میکردند و آثار باشکوهی پدید می‌آوردند، آشوکا نیز به این موضوع علاقمند شد (Roy, 1997) و در دوره حکومت خود آثار متعددی از جمله ستونهای سنگی مختلفی در بخشهای گوناگون هندوستان ساخت که برخی از آنها دارای کتیبه بود و تعدادی از این ستونها تا پنجاه فوت ارتفاع داشت و بر فرازشان سرستونهایی باشکوه قرار داشت (Mookerji, 1962:86).

امروزه بقایای سی ستون سنگی منفرد از آشوکا در گوشه و کنار هندوستان و کشورهای همجوار باقی مانده است. بدنه این ستونها فاقد تزئینات بوده و مشابه برخی ستونهای شوش و پاسارگاد است. البته برخلاف نمونه‌های ایرانی، ستونهای آشوکا بدون پایه ستون بوده و بطور مستقیم از زمین خارج شده‌اند. در بالای این ستونها معمولاً سکویی به ارتفاع دو فوت قرار داشته و تندیسهای مختلفی قرار دارد که تا هفت فوت ارتفاع دارند. البته باید توجه داشت که این ستونها بصورت یکپارچه بوده و در بخش اتصال بدنه ستونها به سرستون از روش اتصال مشابه ستونهای هخامنشی و بکمک بستهای مسی استفاده شده است (Macropaedia, 1983:325).

همانطور که گفته شد در سده‌های پایانی هزاره نخست پیش از میلاد شاهد وقوع تغییراتی مهم و عمده و در معماری و مصالح مورد استفاده در معماری هندوستان هستیم. در این روزگار برای نخستین بار سنگ بعنوان یک عنصر اصلی در معماری مائوریان مورد استفاده قرار گرفته و بعنوان شیوه رایج در هنر و معماری هندوستان مشاهده میشود. این تغییرات وسیع را میتوان بنوعی انقلاب و تحولی بنیادین در معماری و هنر هندوستان بشمار آورد. منابع تاریخی و باستان‌شناسی نشان‌دهنده وجود ارتباطی قوی و تنگاتنگ بین دو تمدن ایران و هند در سده‌های ششم تا سوم پیش از میلاد است. مقارن با سده چهارم پیش از میلاد و حدها سالهای ۳۳۴ تا ۳۲۴ ق.م وقوع سلسله رویدادهای زنجیرواری موجب سقوط سلسله هخامنشی، تصرف ایران و بسیاری از بخشهای آسیا بوسیله اسکندر و قدرت گرفتن مائوریان در هندوستان شد. میدانیم که تلاش اسکندر برای تصرف هند با شکست مواجه شد و ارتش مقدونی از سپاه چاندرا گوپتا شکست خورد.



تصاویر شماره ۷ و ۸) سرستون آراجا (Araraja Pillar) از عصر آشوکا؛
منبع: <http://eastchampan.bih.nic.in>

این تغییرات سیاسی با تغییرات سبک معماری و هنر در هندوستان همراه است که نشانه‌های انکارناپذیری از حضور سبک معماری و هنر هخامنشی در هندوستان پس از فروپاشی این امپراتوری است (Howe, Garvin, 2015: 101).

این موضوع بی‌شک بر اثر حضور هنرمندان ایرانی در دربار مائوری و استفاده پادشاهان این سلسله از فرصت پیش آمده برای ایجاد سبکی جدید از معماری در این کشور است. در حقیقت بسیاری از الگوهای هخامنشی مانند معماری صخره‌یی، استفاده از تالارهای ستون‌دار و رواج سبک کتیبه‌نگاری بر روی سنگ، در سده‌های سوم و چهارم پیش از میلاد هندوستان تکرار میشود.

پروفسور سیلندرات سن^۱، استاد دانشگاه کلکته، در اینباره میگوید: روش حکومت و اندیشه‌های داریوش بزرگ، پادشاه هخامنشی، الهام‌بخش آشوکا در حکومت و ساخت ابنیه حکومتی بود. وی نیز کتیبه‌های خود را به تقلید از هخامنشیان بر روی صخره‌ها و ستونهای سنگی نگاشته و در حقیقت آشوکا به تمدن هخامنشی بعنوان یک الگو برای حکومت و ساخت ابنیه مختلف نگریسته و از آن الگوبرداری کرده است. هر چند هنرمندان هندی در مقایسه با هنرمندان ایرانی نتوانستند کتیبه‌هایی را بر روی صخره‌های کاملاً صیقل خورده اجرا کنند و کار آنها ضعیفتر از همتایان پارسی خود بوده، اما در حوزه ستونها و سبک معماری مبتنی بر ستون توانستند بخوبی از عهده این کار برآیند (Sen, 1999: 118).



تصویر شماره ۹) سرستون لوریا (Lauriya_Nandangarh)
از عصر آشوکا؛ منبع: www.studyblue.com

این هنر مشترک و به عاریت گرفته شده از سوی هنرمندان و معماران هندی، پس از حفاری در پاتالی پوترا، پایتخت مائوریان، بخوبی مشاهده شد و پژوهشگران به بررسی و تحلیل این انتقال فرهنگی پرداختند. کلنل وادل و اسپونر را میتوان از پیشگامان مطالعه سبک معماری مبتنی بر تالارهای ستوندار هندی و تأثیرات هنر هخامنشی بر آن دانست. کلنل وادل پس از کشف سرستونهای آشوکا و بررسی این آثار، در اینباره مینویسد: «این سرستونها بطور کامل دارای سبک پرسپولسی هستند. هرچند برخی نشانه‌های هنر یونانی نیز در این ستونها دیده میشود اما این آثار به هیچ عنوان قابل مقایسه با نمونه‌های هنر هند و یونانی کشف شده در پنجاب نبوده و ستونها و سرستونهای کشف شده در کاخ آشوکا در پاتالی پوترا، قطعاً توسط هنرمندان پارسی و تحت فرمان مستقیم آشوکا ساخته شده‌اند» (Wadell, 1903).

سر جان مارشال، دیگر هندشناس مشهور نیز درباره تأثیر هنر هخامنشی بر ستونهای مائوریان میگوید: «ستون‌شاران آنها بسیار زیبا و باشکوه است که در آن شاهد حد عالی تراش سنگ هستیم که نمونه آن در سایر مناطق هندوستان دیده نمیشود. باعتقاد من، این ستون با چهار شیر بر فراز آن و زنگوله‌یی واژگون در پایین این حیوانات، در شمار هنر هخامنشی و گروه ستونهای پرسپولیس دسته‌بندی شده و بهترین نمونه برای اثبات تأثیرگذاری هنر ایرانی در هندوستان است» (Marshall, 1905: 36).

ایرن گجر، دیگر پژوهشگر هنر هندوستان در عصر مائوری نیز معتقد است که تالارهای ستوندار مائوری و بطور خاص، تالار پاتالی پوترا از سبک هخامنشی و بویژه پرسپولیس متأثر است. وی

در این خصوص مینویسد: «ستونهای باشکوه قصر مائوریان در پاتالی پوترا در زمان ساخت خود با طلا و تزئینات باشکوهی پوشیده شده بودند که نمونه آن را تنها میتوان در هنر هخامنشی و ماد مشاهده کرد» (Gajjar, 1971:80).

این شباهتهای هنری نمیتواند تصادفی بوده و تکرار الگوهای بکار رفته در ستونها، طرحهای بکار رفته، سرستونها و حیوانات انتخاب شده در آنها نشان‌دهنده وجود ارتباطی قوی بین هنر و معماری دو کشور است؛ ارتباطی که بر پایه روابط سیاسی و نظامی قدرتمند بوده و حتی براساس متون تاریخی میدانیم که بخشی از ارتش نیرومند هخامنشی را سربازان هندی تشکیل میدادند (Jorfi, 1994: 69).



تصاویر شماره ۱۰-۱۱-۱۲-۱۳) ستون آشوکا در محوطه باستانی وایشالی (Vaishali) با سر ستون نقش شیر و نیلوفر واژگون، منبع: نگارنده، ۲۰۱۵م.

تمامی این شواهد حاکی از حضور هنرمندان ایرانی و الهام بخشی هنر و معماری هخامنشی در سبک جدید بنیانگذاری شده در هندوستان است؛ موضوعی که بسیاری از هندشناسان از جمله از سوی دیگر، در هر دو سبک ستونهای مائوری و هخامنشی شاهد استفاده از متد مشابه و عناصر مشترکی همچون نیلوفر (لوتوس)، زنگوله و اژگون و حیوانات اساطیری هستیم و برخلاف نمونه ستونهای یونانی، ستونهای هندی و هخامنشی دارای ارتفاع زیادی هستند.

دکتر اسپونر، ایرن گجر و سر جان مارشال به آن اذعان دارند. در حقیقت تقارن آغاز این سبک معماری در هندوستان با تهاجم اسکندر به ایران بسیار پر معنی بوده و میتواند پاسخی منطقی برای حضور ناگهانی این سبک جدید و بدون پیش زمینه در هندوستان باشد (Gokhale, 1995: 32). در بیشتر سرستونهای آشوکا روشهای مشابه تزئین هخامنشی دیده میشود و شاید بهترین نمونه این مشابهت را بتوان در سرستونی که امروزه در موزه پاتنا نگهداری میشود، مشاهده کرد که در آن دقیقاً از نقوش مشابه هخامنشی و گل‌های هشت و دوازده پر موجود در تزئینات سرستونهای هخامنشی استفاده شده است که کلنل وادل آنها را کاملاً متأثر از هنر ایرانی قلمداد میکند و حتی نشانه‌های هنر یونانی موجود در این سبک معماری نیز بطور مستقیم از یونان به هندوستان نیامده و الهام گرفته از هنر یونانی موجود در سبک ستون‌سازی هخامنشی است (Thakur, 1989: 241). آرتور پوپ نیز در اینباره مینویسد: «اگرچه سلسله هخامنشی پس از حمله اسکندر به ایران از بین رفت، اما هنر هخامنشی به هندوستان صادر شده و به حیات خود ادامه داد. چاندر گوپتا، مؤسس سلسله مائوری، از روشهای مشابه کشورداری دربار هخامنشی بهره جسته و ارتشی مشابه ارتش هخامنشیان تشکیل داد.

هنرمندان و سنگ تراشان ایرانی در کنار هندیهایی که با سقوط هخامنشیان دیگر فرصت کارکردن در ایران را نداشتند به دربار وی آمده و سبک جدید معماری را پایه نهادند. پادشاهان مائوری از این فرصت بهترین استفاده را برده و با خوشامدگویی به این گروه تازه وارد، درباری مشابه هخامنشیان بنا نهادند؛ بطوری که حتی مگاستانس، سفیر دربار سلوکیان، که چهل سال پس از سقوط هخامنشیان به هندوستان سفر کرد، پاتالی پوترا و تالارهای ستون‌دار آنجا را با پرسپولیس و شوش مقایسه میکند» (Pope, 2011: 45). سر جان مارشال، تطور استفاده از سرستونهایی با نقوش حیوانی و انسانی را زاده هنر ایرانی دانسته و مینویسد: «ایرانیها در کنار هنرمندان هندی

در هندوستان به خلق آثاری باشکوه پرداختند» (Akhtar, 2001: 69). به اعتقاد وی تپه بیهار در تاکسیلا در حدود سال ۵۱۸ ق.م توسط داریوش بزرگ ساخته شده است.



تصاویر ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷) بقایای ستونهای تالار ستوندار مائوری در پاتالی پوترا - محوطه باستانی کومهرار در پاتنا، منبع: نگارنده، ۲۰۱۵ م.

هنر و معماری مشابه

بطور کلی با مقایسه هنر و معماری هخامنشیان و مائوری، شاهد شباهتهای زیادی در سبک کلی و جزئیات آن هستیم. البته این هنر را نمیتوان بطور کامل یک هنر تقلیدی دانسته و در آن رگه‌های پر رنگی از روح هنر هندی دیده میشود. یکی از اصلیتترین تالارهای ستوندار ساخته شده در روزگار مائوریان در هندوستان، تالار پاتالی پوترا است. بعلاوه، نمونه‌هایی از ستونهای منفرد نیز در گوشه و کنار هندوستان توسط آشوکا ساخته شد که بی‌شبهت به ستونها و تالارهای ستوندار هخامنشی نیستند. در ذیل به بررسی شباهتها و تفاوت‌های دو سبک معماری در ایران و هندوستان میپردازیم: ستونهای بکار رفته در تالار ستوندار چاندرا گوپتا در پاتالی پوترا، فاقد سرستون هستند که مشابه

آن در پاسارگاد دیده شده و برخلاف ستونهای تخت جمشید که دارای سرستون هستند، تالار ستون‌دار چاندرا گوپتا فاقد این عنصر است.



تصاویر ۱۸-۱۹) ستون آشوکا در معبد بودائی بودگایا «Bodhgaya» با بدنه‌ی صاف و بدون تراش، منبع: نگارنده، ۲۰۱۶م.



تصویر شماره ۲۰) ستون و سرستون آشوکا با نقش شیر در وات یو مونگ تایلند (Wat U Mong near Chiang Mai)

ستونهای موجود در سبک معماری هخامنشی معمولاً دارای یک پایه ستون بشکل نیلوفر واژگون (در تخت جمشید) یا پایه‌های مربع (در پاسارگاد) یا پایه‌های مدور در (شوش و همدان) هستند، در حالی که در ستونها و تالارهای ستون‌دار مائوری بطور کلی این عنصر حذف شده و ستونها بدون پایه ستون بطور مستقیم و همانند تنه درخت از زمین خارج شده‌اند.

نمونه نیلوفر واژگون مورد استفاده در پایه ستونهای هخامنشی، در هنر مائوری با تغییراتی روبرو شده و در سرستونها و پایینتر از مجسمه‌های سنگی بشکل حیوانات بکار رفته‌اند. اگرچه اجرای این دو طرح در هندوستان و ایران تا حدی متفاوت است، اما هر دو نمونه از الگویی واحد و مشابه استفاده کرده‌اند.

در فرمها و سیمای اجرا شده در معماری ایرانی، بدنه ستونهای هخامنشی دو مرحله را پشت سر میگذارد. در مرحله نخست، شاهد استفاده از ستونهایی با بدنه صیقلی و صاف در پاسارگاد بوده و سپس در مرحله بعد شاهد ظهور ستونهای شیاردار در تخت جمشید هستیم. در حقیقت، در ایران شاهد رواج ستونهایی با بدنه صیقلی در ابتدای دوران هخامنشی هستیم که بعدها منسوخ شد و دیگر مورد استفاده قرار نگرفت، اما در هنر مائوری شاهد استفاده دوباره از ستونهایی با بدنه صاف و صیقلی و به سبک پاسارگاد هستیم.



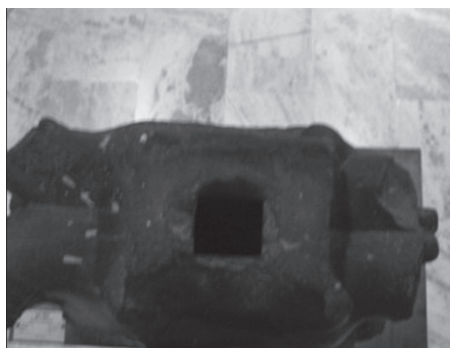
تصاویر شماره ۲۱-۲۲-۲۳-۲۴) پایه سرستون مائوری با نقوش گلدار و طرح کلی مشابه پایه سرستونهای هخامنشی، موزه مرکزی پاتنا (منبع: نگارنده، ۲۰۱۵م.)

قبول این موضوع که هنرمندان مائوری چشمان خود را به روی هنر تخت جمشید بسته و تنها از سرستونهای این مجموعه تقلید کرده‌اند، دور از ذهن است، اما احتمالاً دلیل استفاده از سبک ستونهای صیقلی پاسارگاد برای ساخت نمونه‌های هندی، قابلیت بسیار بالای سنگهای بکار رفته در هندوستان برای صیقل پذیری بوده است؛ زیرا این ستونها دارای پرداخت و صیقلی بمراتب بهتر از پاسارگاد هستند. از سوی دیگر، نمونه ستونهای دارای شیارهایی بر روی بدنه آنها در ستونهای چوبی کشف شده در Lauria Nandangarh بدست آمده که نشان‌دهنده آشنایی معماران و هنرمندان هندی با سبک ستونهای تخت جمشید است.

یکی از مهمترین مواردی که باید در مورد سبک ستونهای سنگی مائوری به آن اشاره کرد، استفاده از یک قطعه سنگ یکپارچه در بدنه ستونهاست، در حالی که هخامنشیان برای ساخت ستونهای خود از قطعاتی مجزا استفاده میکردند که توسط بستهای دم چلچله‌یی به یکدیگر وصل میشد. این روش اتصال قطعات در هنر مائوری برای اتصال ستون به سرستونها مورد استفاده قرار گرفته است. البته در ستونها و تالارهای ستون‌دار مائوری نیز مانند نمونه‌های هخامنشی، شاهد استفاده از چوب هستیم (Ibid:99).



تصاویر شماره ۲۵-۲۶) سرستون عصر آشوکا با تصویر دو گاو نشسته و پشت به پشت، موزه مرکزی پاتنا (منبع: نگارنده، ۲۰۱۵م.)



تصویر شماره ۲۷) سمت راست: بخش باقیمانده از سرستون آشوکا با سر شیر، موزه مرکزی پاتنا
تصویر شماره ۲۸) سمت چپ: نمای بالا و محل اتصال سرستون با تصویر دو گاو نشسته و پشت به پشت به
سایر اجزای ستون (منبع: نگارنده، ۲۰۱۵م.)

سرستونهای هخامنشی و مائوری از منظر ساخت و طراحی نیز اگرچه از الگویی واحد و بسیار مشابه استفاده میکنند، اما تفاوتهایی نیز با یکدیگر دارند. در سرستونهای هخامنشی شاهد استفاده از طرح برگهای نخل و وجود دو حیوان یا انسان پشت به پشت هستیم، در حالی که در سرستونهای مائوری عموماً یک حیوان منفرد استفاده شده و بجز حیوانات مشترکی مانند شیر و گاو که در هر دو نمونه دیده میشود، در هنر مائوری از حیواناتی مانند فیل که ویژه و خاص هندوستان است نیز برای سرستونسازی بهره برده شده است.

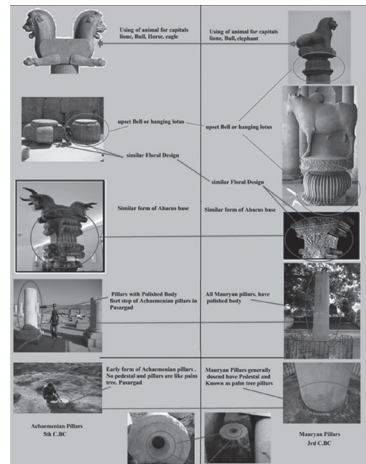


تصویر شماره ۲۹) سمت راست: نمونه ستونهای پاسارگاد تصویر
شماره ۳۰) سمت چپ: ستون آشوکا در بودگایا (منبع: نگارنده، ۲۰۱۶م.)

یکی از مهمترین تفاوت‌های موجود در سبک ستونهای دو کشور، استفاده از ستونها در قالب یک مجموعه معماری با وظایف مشخص در سازه بنا در معماری هخامنشی است، اما در معماری مائوری بطور کلی ستونها به استثنای تالار ستون‌دار چاندرا گوپتا در پاتالی پوترا، بصورت منفرد و تزئینی استفاده شده‌اند.



تصویر شماره ۳۱) برخی از مشهورترین سر ستونهای هنر مائوری، طرح: نگارنده

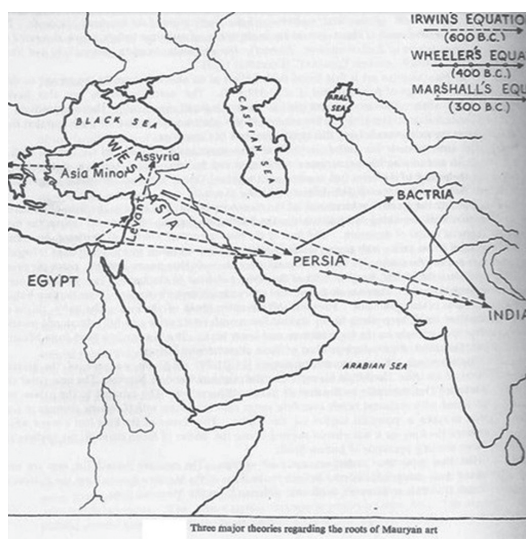


تصویر شماره ۳۲) تزئینات و متدهای مشابه بکار رفته در هنر هخامنشی و مائوری، طرح: نگارنده

نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد مقارن با هجوم لشکریان اسکندر به ایران و پایان نافرجام امپراتوری بزرگ هخامنشی، شاهد قدرت‌گیری سلسله‌یی در هندوستان هستیم که با عنوان سلسله مائوری شناخته شده و چاندرا گوپتا، مؤسس این سلسله، بخوبی توانست در برابر حملات ارتش اسکندر مقاومت نماید و آنها را عقب براند. سلسله مائوری در تاریخ هندوستان یک نقطه عطف محسوب میشود و

این کشور در طول حکومت مائوریان در بسیاری از حوزه‌ها از جمله معماری و هنر شاهد انقلابی شگرف بود. برای نخستین بار در تاریخ هند طی این دوره، شاهد رواج معماری سنگی و صخره و استفاده از تالارهای ستون‌دار و ستونهای مشابه هنر هخامنشی هستیم. این موضوع احتمالاً بدلیل مهاجرت گروهی از هنرمندان ایرانی به هندوستان بوده و به این ترتیب شاهد تداوم هنر و معماری هخامنشی در این کشور هستیم. اگرچه شواهد و مستندات تاریخی در این زمینه محدودند و تنها سند قابل اتکا در این خصوص را میتوان کتاب *اینديکا* نوشته مگاستانس، سفیر دربار سلوکیان در هندوستان، محسوب کرد که به شباهت و ارتباط تالارهای ستون‌دار پاتالی پوترا و پرسپولیس و شوش اشاره دارد، اما شواهد و مستندات باستان‌شناسی و مطالعه سبکهای بکار رفته در طراحی و ساخت ستونها و سرستونهاى هندوستان نشان‌دهنده تأثیرپذیری عمیق این سبک نوظهور در هندوستان از همسایه غربی خود یعنی ایران است. در حقیقت میتوان درباره این سبک معماری که برای نخستین بار هندوستان رواج یافت، اینگونه نتیجه‌گیری کرد که شرایط سیاسی موجب مهاجرت هنرمندان ایرانی و هندیان مقیم دربار هخامنشی به هندوستان شد و این موج تازه هنری بر پایه هنر هخامنشی و نفوذ برخی رگه‌های هنر بومی در هند به حیات خود ادامه داد.



تصویر شماره ۳۳) سه نظریه مختلف ارائه شده در مورد نحوه ورود هنر هخامنشی به هند در عصر مائوریان که توسط اروین، سر جان مارشال و مورتیمور ویلر ارائه شده است

- Akhtar, Naseem, *Art and Archaeology of Eastern India*, Patna Museum, 2001.
- BongardLevin, Grigorii Maksimovich, *Ancient Indian History and Civilization* India, Ajanta, 1998.
- Dhammika, Shrivasti, *The Edicts of King Asoka: An English Rendering*, Buddhist Society, 1993.
- Gajjar, Iren.N, *Ancient Indian Art and the West: A Study of Parallels, Continuity, and Symbolism from Proto-historic to Early Buddhist Times*, D. B. Taraporevala Sons, 1971.
- Gajjar, Irene N., *Ancient Indian Art and the West: A Study of Parallels, Continuity and Symbolism from Proto-historic to Early Buddhist Times*, D. B. Taraporevala Sons, 1971.
- Gokhale, Balkrishna Govind, *Ancient India: History and Culture*, Popular Prakashan, 1995.
- Howe, Timothy, Garvin, Erin, *Greece, Macedon and Persia*, Graham Wrightson Editor, Oxbow Books, 2015.
- Jolfaee, Abdul Amir, *Iran and India: Age Old Friendship*, India Quarterly, 1994.
- Jorfi, Abdul Amir, *Iran and India: Age old Friendship*, India Quarterly, 1994.
- Kuhrt, A., *The Persian Empire: A Corpus of Sources of the Achaemenid Period* Routledge, 2007.
- Llewellyn, Arthur, *The wonder that was India*, India, Sidgwick and Jackson, 1967.
- Marshal, Sir John, *Annual report of Archaeology, Archaeological survey of India*, 1905.
- Mookerji, Radhakumud, *Asoka*, Motilal Banarsidass, 1962.
- Nehru, Jawaharlal, *The Discovery of India*, India Penguin Books, 1992.
- Pandey, C. B., *Mauryan Art*, Prakashan, Bharatiya Vidya, 1982.
- Pope, Arthur Upham, *Persian Architecture*, translated to Persian by G.Sadri afshar, Tehan Dat, 2011.
- Roy, Brajdeo Prasad, *Stone Stuctures Built by Asoka at Pataliputra*, department of A.I.H and Archaeology, Patna university, Article in art and archaeology of eastern India, 1997.
- Sen, Sailendra Nath, *Ancient Indian History and Civilization*, New Age International, 1999.
- Thakur, Upendra, *Studies in Indian History*, Chaukhamba Orientalia, 1989.
- The Monolithic Pillars or Columns of Ashoka. Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gessellschaft, Berlin, Vol. 65 _pp. 221_33
- The New Encyclopaedia Britannica: Macropaedia (19 v.), Encyclopaedia Britannica, 1983.
- Wadell , Clonel, *Report of Pattaliputra Excavation* , Kolkata, 1903.
- Waters, Matt, *Ancient Persia: A Concise History of the Achaemenid Empire, 550–330 B.C.E*, Cambridge University Press, 2014.